

بررسی تعاملات شهری؛

پویایی رفتار اجتماعی در فضاهای عمومی سنندج*

صبح الدین مفاخری^۱، مسعود گلچین^۲

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۴)

چکیده

فضاهای عمومی نقش حیاتی در شکل‌دهی به بافت اجتماعی یک شهر و تقویت تعاملات بین ساکنان متنوع آن دارند. مطالعات نشان داده‌اند که خیابان‌ها و فضاهای عمومی طراحی شده با زیرساخت اجتماعی قوی می‌توانند به کاهش تنش‌های روزمره کمک کرده و درک اجتماعی را ترویج دهند. این فضاها به عنوان نقاط دیدار عمومی عمل می‌کنند که افراد دارای پیشینه‌های مختلف در آنجا همزیست می‌شوند، ایده‌ها را تبادل می‌کنند و در تعاملات اجتماعی شرکت می‌کنند؛ این امر منجر به سرزندگی فضاهای شهری می‌شود. این مطالعه به روابط پیچیده بین وضعیت‌های ذهنی افراد، پویایی‌های رفتار اجتماعی و عوامل محیطی موثر بر رفتار می‌پردازد. برای دستیابی به این هدف، نقش زیرساخت‌های اجتماعی، در شکل‌گیری روابط با غریبه‌های شهری مورد بررسی قرار گرفته و مفاهیم ارزشمندی را در ترویج مراقبت اجتماعی، احترام و همزیستی مسالمت‌آمیز در محیط‌های شهری ارائه می‌دهد. نظر به تفکیک دو شیوه رفتار با غریبه‌های شهری، به روشن کردن تأثیر عوامل مختلف بر شیوه‌های دانایی خیابان و آداب خیابان پرداخته شده است. سنندج، به عنوان شهری که تجربه رشد سریع جمعیت و تنوع جمعیتی را داشته، محیطی منحصر به فرد برای مطالعه همزیستی شهری ارائه می‌دهد. ساکنان، به واسطه مهاجرت از مناطق مختلف داخل و خارج استان کردستان به این شهر، پیشینه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متنوعی را به همراه دارند. این تنوع نه تنها منظر اجتماعی شهر را غنی می‌کند بلکه فرصت‌هایی برای تعاملات و تبادلات فرهنگی فراهم کرده است. مقاله حاضر، در چارچوب مطالعه زندگی عمومی در خیابان‌های سنندج و با هدف روشن کردن الگوهای رفتاری شهروندان در بین غریبه‌های شهری انجام شده و ضمن پرداختن به وضعیت همزیستی، موارد موثر بر تعاملات خیابانی را مورد بررسی قرار داده و توانسته است به درکی از چالش‌های پویایی اجتماعی شهری و مکانیسم‌های تعاملات در دنیای غریبه‌ها دست پیدا کند. با استفاده از روش‌هایی نظیر ضرایب همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر، سعی گردیده است عوامل پنهانی که بر رفتار غریبه‌های شهری تأثیر می‌گذارند و تعاملات آن‌ها با محیط عمومی شهر را کشف نماید. این چارچوب نظری به محققان امکان می‌دهد تا تعامل بین کنش فردی، اصول اجتماعی و تنظیمات فضایی در شکل‌دهی تجربه شهری را تحلیل کنند. **واژه‌های کلیدی:** زندگی عمومی، آداب خیابانی، دانایی خیابانی، همزیستی جمعی، هم‌بودگی، حیات ذهنی.

doi: <https://doi.org/10.22034/JSS.2025.2024704.1831>

* مقاله علمی پژوهشی

۱ دکتری جامعه‌شناسی بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. mafakheri.sb@gmail.com

۲ دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. golchin@khu.ac.ir

مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره هجدهم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۳، ص ۱۷۹-۱۵۳

مقدمه و بیان مسئله

از اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم، نظریه پردازان اجتماعی و فرهنگی کم‌کم زندگی روزمره را به عنوان حوزه‌ای بسیار پویاتر و پرمنازعه‌تر مفهوم‌پردازی کرده‌اند. براین اساس، گفته می‌شود که دیگر نمی‌توان زندگی روزمره را به صورت کلیتی متجانس و همگون توصیف کرد؛ بلکه برعکس، باید زندگی روزمره را حیطه‌ای بسیار کثرت‌گرا و پرمنازعه دانست (بنت، ۱۳۹۸: ۱۱).

در کشورهای در حال توسعه، روند سریع شهرنشینی منجر به هجوم مهاجران به شهرها و در نتیجه گسترش مرزهای شهری و شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی شده است؛ اما فقدان زیرساخت‌های اجتماعی مناسب در این مناطق شهری تأثیر مخربی بر کیفیت زندگی و روابط اجتماعی داشته است. در حالی که خیابان‌های مرکزی ممکن است سرزنده به نظر برسند، تنش‌ها و درگیری‌های زیربنایی میان غریبه‌ها اغلب محیطی را ایجاد می‌کنند که به دور از طراوت است. این تعاملات روزانه که با اصطکاک و اختلاف مشخص می‌شود، به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر تجربیات کاربران فضای عمومی تأثیر می‌گذارد، چالش‌های موجود اجتماعی را تشدید می‌کند و مانع همزیستی مسالمت‌آمیز می‌شود.

در زمینه پویایی شهری، همزیستی گروه‌های اجتماعی متنوع در فضاهای عمومی به موضوعی مبرم تبدیل شده است. رویکردهای جمع‌گرایانه سنتی بر پایداری به «ارزش‌های مشترک» در فضاهای عمومی تأکید دارند، با این حال محققانی مانند ریچارد سنیت^۱ از تساهل و بزرگداشت «تفاوت‌ها» حمایت می‌کنند. سنیت معتقد است که افراد به دلیل انزوای خود تحمیلی برای زندگی شهری آماده نیستند و شهر را به عنوان فضایی برجسته می‌کند که در آن برخورد با غریبه‌ها برای یک تجربه شهری کامل ضروری است (سنیت، ۲۰۱۸). مایکل ایگناتیف^۲ نیز مفهوم «شهرهای اخلاقی» را پیشنهاد می‌کند که همزیستی مسالمت‌آمیز غریبه‌ها را از طریق پذیرش و قدردانی از تنوع، ایجاد می‌کند (ایگناتیف، ۲۰۱۷).

ظهور اشکال جدید شهری، روابط اجتماعی را تغییر داده است و فضاهای عمومی به عنوان مکان‌های حیاتی برای تعاملات اجتماعی فراتر از محدوده خانه و محل کار عمل می‌کنند. خیابان‌ها، پارک‌ها و فضاهای میان‌بافتی بین ساختمان‌ها قلمرو «زندگی عمومی» را تشکیل

1 Richard Sennett

2 Michael Ignatieff

می‌دهند؛ جایی که دامنه فعالیت‌ها و سطح مشارکت (مشروط به توانایی غریبه‌های شهری برای همزیستی هماهنگ) منعکس‌کننده رفاه یک جامعه است.

صاحب‌نظران استدلال می‌کنند که در فضاهای شهری محدود، گروه‌های اجتماعی اغلب برای تسلط بر فضا با یکدیگر رقابت می‌کنند که منجر به حذف گروه‌های حاشیه‌نشین و تداوم تقابل‌ها می‌شود. ساکنان بومی ممکن است برای حفظ هویت منحصربه‌فرد خود، گاهی اوقات حضورشان را در فضاهای عمومی، به هزینه تنش با مهاجران و سایر جمعیت‌های آسیب‌پذیر اعلام کنند. تنش‌ها و پویایی‌های قدرت ناشی از آن، تهدیدی برای همزیستی مسالمت‌آمیز است و چشم‌انداز زندگی عمومی پر جنب و جوش را در این شهرها کاهش می‌دهد. با این اوصاف، محیط‌های شهری مراکز پر جنب و جوش فعالیت‌های اجتماعی هستند؛ جایی که افراد در تعاملات پیچیده با غریبه‌ها، دوستان و اعضای خانواده حرکت می‌کنند. این مطالعه به دنبال بررسی پویایی رفتار اجتماعی در فضاهای عمومی، بررسی تأثیر متقابل بین حالات ذهنی فردی، روابط اجتماعی و عوامل محیطی است. این مطالعه با تجزیه و تحلیل تأثیر دانش خیلان، آداب خیلانی و اعتماد عمومی، به درک این موضوع کمک می‌کند که چگونه شهرها می‌توانند حس اجتماع، امنیت و رفاه جمعی را در میان ساکنان خود تقویت کنند.

سنندج متأثر از پویایی ملی و استانی، تغییرات جمعیتی قابل توجهی را تجربه کرده است که ناشی از رشد طبیعی جمعیت، مهاجرت روستا به شهر و گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی است. این سکونتگاه‌ها که با جمعیت جوان‌تر، محیط زندگی پرتراکم و محرومیت اقتصادی مشخص می‌شوند، بخش‌های حاشیه‌ای شهر را نشان می‌دهند که به منابع اقتصادی و اجتماعی ضروری دسترسی ندارند. نیروی کار در این مناطق اغلب درگیر اشتغال نامطمئن و غیررسمی است که منعکس‌کننده چالش‌های سیستماتیک نابرابری‌های اقتصادی، فرهنگی و آموزشی است.

هجوم مهاجران به سنندج به دلیل عوامل سیاسی و کمبود خدمات روستایی، زیرساخت‌ها و منابع اجتماعی شهر را بیشتر تحت فشار قرار داده است. تغییرات سریع جمعیتی، در چند دهه گذشته، منجر به گسترش ساخت غیرمجاز و ادغام مناطق حاشیه‌ای روستایی در بافت شهری شده است. تقریباً ۵۳/۳ درصد از جمعیت سنندج در سکونتگاه‌های غیررسمی ساکن هستند که ۱۵ درصد از مساحت کل شهر را تشکیل می‌دهد (ایران دوست، ۱۳۹۱: ۱۶۹).

پویایی تعاملات اجتماعی در سنندج، که با تعامل پیچیده هویت‌های فرهنگی و ترجیحات زبانی مشخص می‌شود، بر ماهیت ظریف زندگی عمومی در شهر تأکید می‌کند. تمایز بین گویشوران

اردلان و اورامان در ترجیح قلیل ملاحظه برای استفاده از زبان، خود را نشان می‌دهد. تسلط گویشوران اردلان در انتخاب زبان مادری خود، نشان دهنده حس اصالت و غرور فرهنگی است، در حالی که گویشوران اورامان تمایل بیشتری به استفاده از زبان غالب را نشان می‌دهند؛ که احتمالاً تحت تأثیر هنجارهای اجتماعی یا سلسله مراتب زبانی درک شده است (زمانی، ۱۳۹۱).

رواج حساسیت به تفاوت‌ها، همانطور که انتخاب‌های زبانی و تعاملات مشاهده شده در سنندج نشان می‌دهد، بر بافت اجتماعی پیچیده شهر تأکید می‌کند. تعامل بین زبان، هویت و هنجارهای اجتماعی تعاملات روزانه بین ساکنین را شکل می‌دهد و بر فرصت‌های همزیستی جمعی در فضاهای عمومی تأثیر می‌گذارد. تفاوت در استفاده از زبان در میان کودکان به تنش‌های اساسی و پویایی قدرت اشاره دارد که بر روابط اجتماعی در جامعه تأثیر می‌گذارد.

با وجود پیچیدگی‌های پیرامون ترجیحات زبانی و هویت‌های فرهنگی، ساکنان سنندج فضایل اخلاقی عادی را در تعاملات روزمره خود نشان می‌دهند. احساسات همچنان نقش مهمی در شکل دادن به روابط بین فردی ایفا می‌کنند و بر تأثیر پایدار ارزش‌های سنتی و هنجارهای اجتماعی در منظر شهری تأکید دارند. در کنار هم قرار گرفتن فرآیندهای شهرنشینی تاریخی با تداوم ارتباطات عاطفی، ماهیت چندوجهی زندگی عمومی در سنندج را نشان می‌دهد.

رفتار ساکنان سنندج در اطراف غریبه‌ها زمینه‌ای جذاب برای پژوهشگران علوم اجتماعی است که به دنبال درک پویایی زندگی عمومی در شهر هستند. محققان با بررسی چگونگی تعامل ساکنان با افراد خارجی و تأثیر حساسیت‌های فرهنگی بر روابط اجتماعی، می‌توانند بینش‌های ارزشمندی در مورد پیچیدگی‌های همزیستی شهری و نقش هویت در شکل‌دهی پویایی‌های جامعه به دست آورند. شناخت تفاوت‌های ظریف رفتار اجتماعی و شیوه‌های فرهنگی در فضاهای عمومی، می‌تواند درک عمیق‌تری از چالش‌ها و فرصت‌ها برای دستیابی به سرزندگی در شهر سنندج ارائه دهد.

پیشینه پژوهش

پیشینه تجربی ارائه شده دو دسته اصلی از مطالعات حوزه اجتماعی شهرها را نشان می‌دهد: توسعه شهری و زندگی عمومی.

۱. مطالعات توسعه شهری

برنامه‌ریزی شهری مدرن در قرن نوزدهم ظهور کرد و بر رشد کلان شهرها تأثیر گذاشت. جنبش معماری مدرن که از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم شروع شد، تأثیرات قابل توجهی بر

برنامه‌ریزی شهری داشت. این جنبش که در اروپا سرچشمه گرفت، در شیکاگو با شخصیت‌های با نفوذی مانند برنهام و سالیوان به اوج خود رسید.

۲. مطالعات زندگی عمومی

جین جاکوبز در کتاب خود با عنوان «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا» از برنامه‌ریزی از بالا به پایین انتقاد کرد و تأکید کرد که چگونه چنین برنامه‌ریزی می‌تواند شور و نشاط زندگی شهری را کاهش دهد (دور اشمیت، ۲۰۱۶: ۱۳-۱۴). جاکوبز در سال ۱۹۶۱ بر ابعاد زندگی خیابان‌ها تمرکز کرد و غنای فرهنگ خیابانی و شبکه‌هایی را که از تراکم و تنوع شهری ناشی می‌شوند را بررسی کرد (جاکوبز، ۱۹۶۱).

متفکرانی مانند لوفور فضاهای شهری را نه تنها به عنوان ساختارهای فیزیکی، بلکه به عنوان سازه‌های اجتماعی می‌نگریستند و بر جنبه انسانی در مطالعات و برنامه‌ریزی شهری تأکید داشتند. تعامل بین زندگی و فضا در شهرها به یک حوزه مهم مطالعه تبدیل شد و بر اهمیت ایجاد فضاهای عمومی برای شهرهای قلب زندگی تأکید کرد. پان گل در کتاب خود به نام «شهرها برای مردم» یافته‌های حاصل از مطالعات مختلف را ارائه کرد که نشان‌دهنده اهمیت تأمین نیازهای همه ساکنان شهرها بود. مطالعه فضای عمومی و زندگی عمومی در سیدنی، استرالیا در سال ۲۰۰۷، ضرورت ایجاد یک شبکه عابر پیاده پیوسته را برای افزایش قابلیت پیاده‌روی و دوست‌داشتن شهر برای عابران پیاده برجسته کرد (گل، ۲۰۱۶: ۱۳-۱۳۷).

این مطالعات بر تکامل برنامه‌ریزی شهری و شناخت ابعاد اجتماعی فضاهای شهری تأکید می‌کند و اهمیت ایجاد محیط‌های فراگیر و قابل زندگی در برآورده کردن نیازهای متنوع ساکنان شهر را نشان می‌دهند. همچنین، نقش زیرساخت‌های اجتماعی و فضاهای عمومی در پیوند مردم، تقویت جامعه و تقویت زندگی عمومی را برجسته می‌کنند. در اینجا برخی از این مطالعات بررسی می‌گردند.

زیرساخت‌های اجتماعی و زندگی عمومی شهرها، آلن لاتام و جک لیتون (۲۰۱۹)

کتابخانه‌ها، پیتزا فروشی‌ها، میادین، زمین‌های بازی، پیاده‌روها، استخرها، مدارس و فضاهای دیگر به زندگی عمومی شهرها کمک می‌کنند و به مردم اجازه می‌دهند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و بخشی از یک جامعه شوند. مفهوم «زیرساخت اجتماعی» برای تحقیق و آزمایش این فضاها و جلب توجه به بافت‌های اجتماعی و تعاملاتی که آنها را تسهیل می‌کنند، پیشنهاد شده است. این

مطالعه انواع مختلف فضاها مانند کتابخانه‌ها، پارک‌ها، مراکز اجتماعی، سالن‌های ورزشی، پارک‌های اسکیت، استخرها، زمین‌های فوتبال و کافه‌ها را برای درک اهمیت آن‌ها برای زندگی عمومی در شهرها مقایسه می‌کند. زیرساخت‌های اجتماعی زندگی عمومی را پرورش می‌دهد، به نگرانی‌ها می‌پردازد و در زندگی شهری معاصر ضروری است.

ویژگی‌های طراحی شهری «مکان سوم»، ویکا مهتا و جنیفر بوسون (۲۰۱۰)

مکان‌های سوم که به عنوان پناهگاه‌هایی غیر از خانه یا محل کار که در آن افراد ملاقات و ارتباط برقرار می‌کنند، تعریف می‌شوند، نقش مهمی در تقویت تعاملات اجتماعی دارند. این مطالعه نشان می‌دهد که چگونه ویژگی‌های طراحی شهری، مکان‌های سوم را از سایر فضاها متمایز می‌کند. این موضوع با تأکید بر ویژگی‌هایی مانند ضریب نفوذ خیابان‌ها، محدودیت شخصی‌سازی، و مکان‌هایی برای نشستن و سرپناه که از اجتماعی بودن و انسجام مکان روشن می‌شود.

به طور کلی، این مطالعات بر اهمیت اجتماعی زیرساخت‌ها، فضاهای عمومی و طراحی شهری در شکل دادن به زندگی عمومی، تقویت ارتباطات اجتماعی و ارتقای کیفیت محیط‌های شهری تأکید دارند. در زمینه مسائل اجتماعی شهری نیز به دفعات مطالعه انجام پذیرفته؛ بررسی آنها نشان می‌دهد که این مطالعات بر مسائل اجتماعی آشکار متمرکز بوده و فضای شهری، به عنوان میدان گردآوری داده‌ها مورد توجه قرار گرفته است. در برخی مطالعات، به تطبیق وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ساکنان مناطق شهری و رابطه بین این متغیرها با میزان وقوع مسائل اجتماعی در آن مناطق پرداخته شده و در مواردی نیز، همبستگی بین نوع رفتار مشاهده با کالبد محیط شهری و تاثیرات محیط کالبدی بر رفتارهای شهروندان مورد تحلیل قرار گرفته است. لذا می‌توان نتیجه گرفت که، عوامل موثر بر شکل‌گیری روابط اجتماعی کم‌مایه و زودگذر بین غریبه‌های شهری و کارکرد آن، تا حدودی مورد غفلت پژوهشگران مسائل اجتماعی قرار گرفته و در تحلیل‌ها، تنها به ویژگی‌های جمعیت حاضر در فضاهای شهری و برخی رفتارهای مشهود ایشان اکتفا شده است. در حوزه پژوهش‌های خارجی انجام گرفته، در زمینه زندگی اجتماعی در فضاهای شهری هم باید گفت که، با بهره‌گیری از مشاهدات میدانی (غالباً با استفاده از ثبت تصاویر)، تنها توصیفی از زندگی عمومی ارائه گردیده است. در این تحقیقات، واحد مشاهده فضاهای شهری بوده و با تأکید بر این شمارش تعداد افراد حاضر در فضا، روابط بین شخصی و غیر شخصی، مورد بررسی قرار نگرفته است. لذا می‌توان ادعا نمود که در این تحقیق‌ها فرایندهای منجر به تقویت و یا تضعیف زندگی عمومی را نادیده گرفته شده‌اند. همچنین

بررسی‌های محقق نشان می‌دهد، در مواردی که پژوهشگران حوزه جامعه‌شناسی شهری، مسأله انزوا و تنهایی شهری را مورد مطالعه قرار داده‌اند، انزوا را تحت عنوان پایین بودن سطح روابط اجتماعی با دیگران آشنا (خانواده، خویشاوندان، همسایگان و همکاران) تعریف نموده و مورد سنجش قرار داده‌اند و روابط عادی و روزمره بین غریبه‌ها، در تبیین مسأله سهمی نداشته است. می‌توان گفت که در کشور ما، در مورد زندگی عمومی (تعاملات با دیگری در زیست‌گاه سوم)، مطالعه‌ای انجام نشده و مطالعه حاضر به فرایندهای تقویت و یا تضعیف زندگی عمومی در خیابان‌های شهر پرداخته است. در مقاله حاضر، توصیفی از زندگی عمومی در خیابان‌های مرکزی شهر سنندج ارائه و حس تحمل تفاوت‌ها در بین شهروندان سنندجی، همچنین شیوه‌های رفتاری شهروندان در خیابان‌های شهر مورد بررسی قرار گرفته است.

مبانی نظری پژوهش

زندگی عمومی

رابرت پارک، معتقد بود که شهر استوارترین و به طور کلی موفقیت‌آمیزترین تلاش آدمی برای بازسازی جهانی است که در آن زندگی می‌کند. اما اگر شهر جهانی است که انسان خلق کرده، از آن به بعد محکوم به زیستن در آن شده است. بنابراین، انسان بدون درک روشنی از ماهیت کارش، به طور غیر مستقیم خویشتن را بازآفرینی کرده است (پارک، ۱۹۷۶: ۳، به نقل از هاروی، ۱۳۹۹: ۲۸). وفق دیدگاه پارک، این پرسش را که چه نوع شهری می‌خواهیم را نمی‌توان از این پرسش جدا ساخت که چه نوع مردمی می‌خواهیم باشیم و چه سبک زندگی‌ای را مطلوب می‌شماریم (هاروی، ۱۳۹۹: ۲۸).

موسسه گل^۱ در تعریف از زندگی عمومی، بر اهمیت فعالیت‌هایی که در فضاهای عمومی مانند خیابان‌ها، پارک‌ها، میدان‌ها و فضاهای بین‌ساختمان‌ها رخ می‌دهد تاکید دارد. زندگی عمومی شامل انواع فعالیت‌ها از جمله غذا خوردن در یک کافه خیابانی، مطالعه روی نیمکت، خرید و مکالمه در زمان انتظار برای حمل و نقل عمومی است. این تعاملات می‌تواند از فعالیت‌های

۱ مؤسسه یان گل (Jan Gehl Institute) در سال ۲۰۱۰ در کپنهاگ، دانمارک تأسیس شد. این موسسه به مطالعه و تحقیق روی چگونگی تأثیر طراحی شهری بر رفتار انسانی و کیفیت زندگی می‌پردازد. این مؤسسه با شهرها و سازمان‌های مختلف همکاری می‌کند تا پروژه‌های طراحی شهری را اجرا کند که بر مبنای اصولی مانند قابلیت پیاده‌روی و فضاهای عمومی مطرح شده است.

ضروری مانند پیاده‌روی تا محل کار گرفته تا فعالیت‌های اختیاری مانند تماشای نمایش خیابانی باشد. این گزارش تاکید می‌کند که فعالیت‌ها و تعداد افرادی که در زندگی عمومی شرکت می‌کنند، نقش مهمی در تعیین رفاه و نشاط اجتماعی جامعه دارند. در یک شهر پرجنب‌وجوش، خیابان‌ها و پیاده‌روها مملو از فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی هستند و محیطی پر جنب و جوش و جذاب را برای ساکنان و بازدیدکنندگان ایجاد می‌کنند (گزارش موسسه گل، ۲۰۱۸). به طور کلی، دیدگاه موسسه گل در مورد زندگی عمومی بر اهمیت فضاهای عمومی در تقویت تعاملات اجتماعی، نشاط اقتصادی و کیفیت کلی زندگی در محیط‌های شهری تاکید دارد. با ترویج زندگی عمومی پر جنب و جوش، شهرها می‌توانند مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی و زیست‌پذیری کلی فضاهای شهری را افزایش دهند.

سنت در «سقوط انسان عمومی» و در پایان تحقیقات خود به پیش‌بینی جالب و کم‌نظیری رسید. این پیش‌بینی فقط به این دلیل که در برابر استدلال‌های نظریه نقد فرهنگی قرار گرفت توجه بسیاری را به خود جلب نکرد. او بر خلاف صاحب‌نظران نقد فرهنگی، فقط به انتقاد از افزایش روابط ناشناخته، سردی و از خودبیگانگی و اشاعه آن در جامعه انسانی نمی‌پردازد، بلکه در کتاب‌های خود غیرشخصی شدن، ناشناختگی و بیگانگی را اصول مهم «روابط اجتماعی عمومی» در جامعه صنعتی امروزی ارزیابی می‌کند. نقد فرهنگی نگران روابط ناشناخته و غیرشخصی است و درباره خطراتی هشدار می‌دهد که از این طریق زندگی خصوصی انسان را تهدید می‌کند؛ اما سنت این ویژگی‌ها را هم‌نواپی مناسب برای تثبیت جامعه‌ای می‌بیند که در آن خصوصیت، صمیمیت و به اصطلاح انبساط خاطر به عنوان اصول راهنمایی زندگی اجتماعی در نظر گرفته می‌شوند. نتیجه چنین وضعیتی مرگ تدریجی فضای عمومی و اشاعه بی حد خصوصی بودن است (کسلر، ۱۳۹۴: ۳۳۸).

شیوه‌های رفتاری در خیابان

تئوری‌های جین جاکوبز (۱۳۹۶) و تمایزاتی که اندرسون (۲۰۰۰) انجام داد، شیوه‌های مختلف رفتار مردم در فضاهای عمومی، به ویژه در خیابان‌های شهر را روشن می‌کند. اندرسون دو روش رفتار را چنین توضیح می‌دهد:

۱. آداب خیابانی

آداب خیابان به رفتارهای خیابانی گفته می‌شود که سازگاری با دیگران و برقراری ارتباط بدون اعتماد را در پی دارد و می‌توان سه جنبه را برای آن برشمرد. آداب و رسوم رفتار عبور، مانند

نحوه حرکت در پیاده‌رو یا مکان‌های شلوغ که جنبه‌ای از آداب خیابانی است. جنبه‌ای دیگر به بازی نگاه اشاره دارد، جایی که افراد قبل از اینکه به دور نگاه کنند، حضور یکدیگر را به طور خلاصه از طریق تماس چشمی تصدیق می‌کنند. بی‌تفاوتی مدنی جنبه سوم از آداب خیابانی است که در آن افراد موقعیت‌های ناخوشایند یا ناراحت‌کننده را با حالات چهره محدودی نادیده می‌گیرند و «پوسته‌ای محافظ» در برابر تعامل با غریبه‌ها ایجاد می‌کنند. اندرسون استدلال می‌کند که رفتارهای خیابانی منجر به این می‌شود که افراد "نگاهی تک بعدی" نسبت به افراد خارجی داشته باشند و تعاملات را بدون تبعیض دفع کنند (اندرسون، ۲۰۰۰: ۲۳۰).

۲. دانایی خیابانی

بر خلاف آداب خیابانی، دانایی خیابانی شامل هوشیاری نسبت به رویدادها و افراد در خیابان، بر اساس هوش و اندیشه است. دانایی خیابانی در مورد درک و خواندن نشانه‌های اجتماعی موجود در فضاهای عمومی است، مانند نحوه لباس پوشیدن، راه رفتن یا حالات چهره افراد. افراد واجد دانایی خیابانی که در جهت‌یابی در فضاهای عمومی باتجربه هستند، حسی اجتماعی ایجاد می‌کنند که به آنها امکان می‌دهد علائم و نشانه‌های ظریف را تفسیر کنند و افراد را به سمت خیابان جذب کنند تا اینکه آنها را دور کنند. دانایی خیابان به عنوان توانایی فرد در شناسایی و استفاده از اطلاعات مربوط به محیط خیابان‌ها و فضاهای عمومی تعریف می‌شود. این دانایی شامل توانایی در شناسایی مسیرها، نقاط عطف، خدمات عمومی، و رفتارهای اجتماعی مناسب در این فضاهاست. به عنوان مثال، فردی که می‌تواند به راحتی مسیرهای مختلف را در یک شهر شلوغ پیدا کند، با فرهنگ محلی آشنا باشد و بتواند با دیگران به طور مؤثر ارتباط برقرار کند، دارای دانایی خیابان بالایی است (اندرسون، ۱۳۲: ۲۰۰۰).

تمایزات شیوه‌های رفتاری، پویایی اجتماعی پیچیده‌ای که در فضاهای عمومی به ویژه در خیابان‌های شهر وجود دارد و اینکه چگونه افراد بر اساس رویکردها و سطوح مختلف آگاهی اجتماعی در تعامل با دیگران حرکت می‌کنند، را برجسته می‌کند. بحث در مورد روابط اجتماعی در فضاهای عمومی، حیات ذهنی و اهمیت زیرساخت‌های اجتماعی، پویایی تعاملات انسانی در محیط‌های شهری را روشن می‌کند.

نظریه‌های تبیین کننده ماهیت تعاملات شهری

۱. روابط اجتماعی در فضاهای عمومی

لوفلند طبقه‌بندی جدیدی از روابط اجتماعی در فضاهای عمومی ارائه کرد که شامل روابط زودگذر، روتین، نیمه اولیه، اولیه و ثانویه است که به درک زندگی اجتماعی در حوزه عمومی کمک می‌کند (لوفلند، ۱۹۹۸: ۳۹). ری اولدنبرگ اصطلاح «مکان سوم» را ابداع کرد و به فضاهای عمومی فراتر از خانه و محل کار اشاره می‌کند که در آن گردهمایی‌های غیررسمی برگزار می‌شود و جامعه و تعامل اجتماعی را تقویت می‌کند (اولدنبرگ، ۱۹۸۹: ۱۶).

۲. حیات ذهنی و زندگی در جمع

ریچارد سنت بر شهر به عنوان محل ملاقات افراد مختلف تاکید می‌کند، جایی که حفظ تفاوت‌ها در طول تعاملات متقابل منجر به زندگی شهری پر جنب و جوش می‌شود. سنت استدلال می‌کند زندگی عمومی، که با روابط غیر شخصی و ناشناخته مشخص می‌شود، هماهنگی و ثبات را برای جامعه به ارمغان می‌آورد (سنت، ۲۰۱۸). شهر مدرن انواع جدیدی از مناسبات اجتماعی را تولید می‌کند؛ خودآراستگی از طریق شهر، واکنش نسبت به جریان پی‌درپی تغییرات زندگی شهری و تشدید تحریک عصبی. زیمل (۱۹۹۷: ۱۷۵) می‌نویسد: «انسان، اساساً مخلوقی قائل به تفاوت است». مردم با ترسیم خطوط تمایز بین آثار حسی مختلف، معنا خلق می‌کنند و اشیاء را حس می‌نمایند. ما تعیین می‌کنیم کی و کجا نگاه کنیم، کدام صدا را بشنویم و از چه چیزی صرف‌نظر کنیم. در شهر هر کسی در صحنه‌ای سریعاً در حال تغییر، با هیاهویی از محرکات مواجه است؛ حجمی از تحریکات تصادفی بر حواس، که ظرفیت تشخیص را می‌کاهد. شرط اصلی حیات ذهنی در شهر مدرن، شانه خالی کردن از بارگذاری بیش از حد است (تانکسین، ۱۳۹۴: ۱۸۲). حالت «بی‌اعتنایی» نمونه ذهنیت در شهر مدرن است. واکنشی گنگ به تحریکات بیش از حد، نوعی سازگاری ویژه که ذهن شهری را به فضای پر جنب و جوش شهر عادت می‌دهد. ایستار بی‌اعتنایی نوعی است - به صورت پاسخ ندادن - به افراط حسی محیط شهری و بارگذاری بیش از حد اجتماعی ازدحام شهری. چنین نگاه ذهنی، از نظر زیمل، در عین حال، ویژگی اصلی تر تبادل اجتماعی مدرن را بازتاب می‌دهد. روابط بی تفاوت در شهر به این ترتیب می‌تواند به عنوان بخشی از «ضعف حواس» عمومی تلقی شود (تانکسین، ۱۳۹۴: ۱۸۳).

۳. گرایش به هم بودگی

به تعبیر جاکوبز، هنگامی که ناحیه‌ای از شهر فاقد زندگی پیاده راه باشد، اگر مردم محل، ارتباط مشابهی را با همسایگان خود مد نظر داشته باشند ناچار از گسترش زندگی خصوصی خویش‌اند. آنها ناچار به استقرار نوعی «هم بودگی» می‌شوند که در مقایسه با زندگی پیاده راهها بناچار چیزهای بیشتری را با یکدیگر شریک خواهند شد (جاکوبز، ۱۳۹۶: ۶۵).

۴. زیرساخت‌های اجتماعی

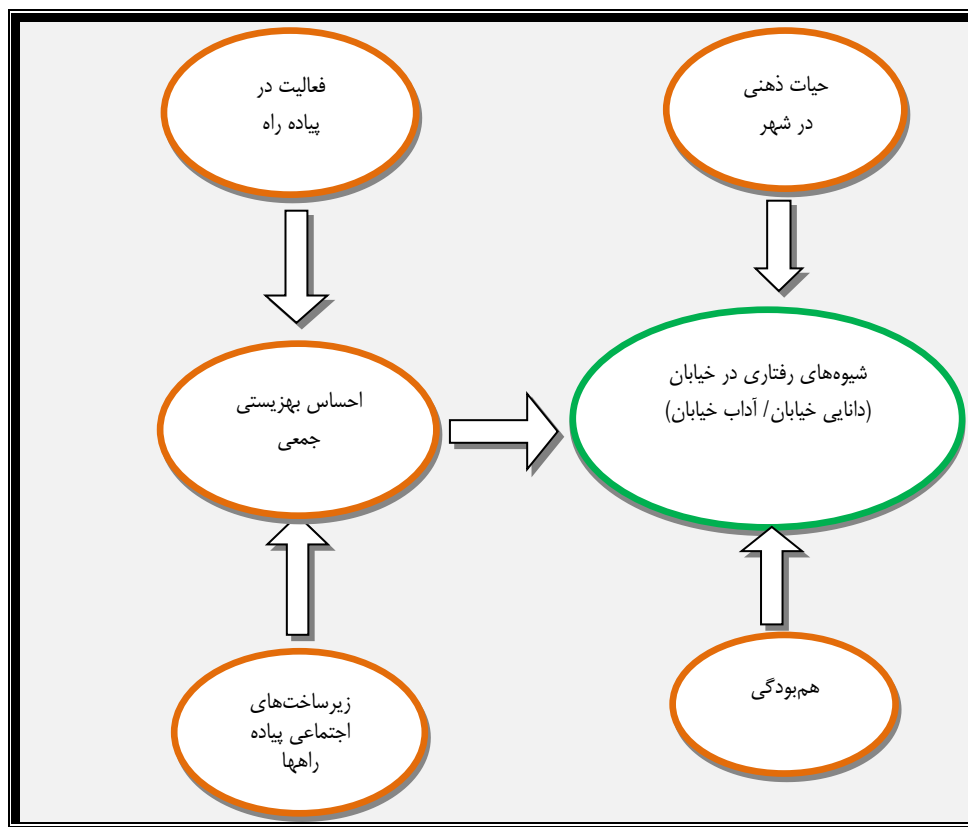
اریک کلاینبِrg زیرساخت‌های اجتماعی را برای ایجاد تعامل اجتماعی بین طبقات و گروه‌های اجتماعی مختلف در مکان‌های عمومی برجسته می‌کند. کلاینبِrg بر اهمیت زیرساخت‌های اجتماعی مانند کتابخانه‌ها به عنوان فضاهای امنی که به گروه‌های حاشیه‌نشینی که با تعصب، تبعیض و خشونت مواجه هستند، به‌ویژه در زمینه بازآفرینی شهری، خدمت می‌کنند (کلاینبِrg، ۲۰۲۲: ۲۵۱).

این بینش‌ها بر اهمیت فضاهای عمومی، تعاملات اجتماعی و مشارکت اجتماعی در پرورش حس تعلق، تنوع و انسجام اجتماعی در محیط‌های شهری تأکید می‌کنند. ارتقای زیرساخت‌های اجتماعی و به رسمیت شناختن روابط متنوع اجتماعی، به ایجاد شهرهای پر جنب و جوش و سرزنده‌ای کمک می‌کند که نیازهای همه ساکنان را برآورده کند.

این مقاله به بررسی پویایی زندگی عمومی و همزیستی ساکنان شهر می‌پردازد و مفاهیم کلیدی مانند زیرساخت‌های اجتماعی، فعالیت در پیاده راه، هم بودگی و حیات ذهنی را برای تبیین احساس بهزیستی جمعی و شیوه‌های رفتاری در خیابان مطرح می‌کند.

شهروندان به دلایل مختلف، خواه تعامل اجتماعی با دوستان یا برخوردهای کوتاه با غریبه‌ها، در فضاهای عمومی حضور پیدا می‌کنند. مشاهدات وجود اخلاقیات عادی را در رفتار شهروندان با انتظارات تعاملات مثبت در محیط‌های عمومی نشان می‌دهد. با این حال، هر دو رفتار مثبت و منفی مشاهده می‌شود که با بحث‌های نظری در مورد زندگی عمومی همسو است.

ترکیب مفاهیم نظری به توسعه مدلی برای تجزیه و تحلیل زندگی عمومی و روشن کردن رفتار شهروندان در فضاهای عمومی کمک می‌کند (شکل ۱). این مدل به عنوان چارچوبی برای کشف پیچیدگی‌های تعاملات اجتماعی، هنجارها و رفتارها در محیط‌های شهری عمل کرده و تفاوت‌های ظریف زندگی عمومی در شهر را روشن می‌کند.



شکل ۱. مدل پژوهش

روش پژوهش

این تحقیق از یک رویکرد ترکیبی استفاده می‌کند که تجزیه و تحلیل داده‌های کمی را با بینش‌های کیفی از مشاهدات در محیط‌های شهری ترکیب می‌کند. مدل‌های تحلیل مسیر برای بررسی روابط علی بین عوامل مختلف مؤثر بر رفتار در فضاهای عمومی استفاده می‌شوند، در حین آن که که چارچوب‌های نظری یک پلایه نظری برای مطالعه فراهم می‌کنند. روش تحقیق بر دقت، شفافیت و اعتبار در جمع آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها تاکید دارد.

پژوهش بر شهر سنندج و شهروندان بالای ۱۵ سال آن متمرکز است. سنندج بر اساس سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵ دارای ۳۶۸۵۲۹ نفر جمعیت بوده است. حجم نمونه برای تحقیق با استفاده از فرمول کوکران تعیین شد و تعداد نمونه مورد نیاز ۳۸۱ نفر برآورد شد.

با این حال، ۴۰۰ نفر برای مطالعه انتخاب شدند. روش نمونه گیری در این پژوهش خوشه بندی چند مرحله‌ای است. این روش نمونه‌گیری شامل گروه‌بندی محله‌ها بر اساس شباهت‌ها و انتخاب دو محله تصادفی از هر خوشه بود (جدول ۱).

در انتخاب پاس‌خگویان، سن و جنس آنها در نظر گرفته شد تا نمونه نماینده جامعه آماری مورد مطالعه باشد. مشاهده‌ها بر اساس کار میدانی، نظریات و مطالعات قبلی، مانند مواردی که در خانی و همکاران به آنها اشاره شده، بود (خانی و همکاران، ۱۴۰۰).

جدول ۱. نواحی و محلات مورد مطالعه در شهر سنندج

اسامی محلات منتخب	استاندارد زندگی شهری	نام خوشه
قطارچیان ، چهار باغ	بافت‌های نابسامان و بدون معیارهای درخور زندگی شهری	اول: سکونت‌گاه‌های با سابقه تاریخی شهر دوم: سکونت‌گاه‌های غیررسمی (تثبیت شده و جدید)
عباس آباد، نایسر		
شالمان ، مبارک‌آباد	دارای معیارها و زیرساخت‌های مناسب زندگی شهری	سوم: سکونتگاه‌های نیمه مرفه و مرفه نشین شهری چهارم: هسته‌های قدیمی با توسعه جدید و سکونت‌گاه‌های جدید
اولیا بگ، بهاران		

ماخذ: نگارنده با اقتباس از ایراندوست و همکاران (۲۰۱۳) و خانی و همکاران (۱۴۰۰)

نحوه سنجش متغیرها

کیفیت زیرساخت‌های اجتماعی خیابان‌ها و پیاده‌راهها

سنجش کیفیت خیابان‌ها و پیاده‌راهها، به استناد تعریف یان گل که در پاسخ به این سوال «که یک فضای عمومی، چگونه به مکانی خوشایند برای حضور داشتن و مورد استفاده قرار گرفتن تبدیل می‌شود؟» (گل، ۱۳۹۶: ۱۰۶) صورت گرفت. از ۱۲ معیار مطرح شده توسط گل، بهره گرفته شد و ۱۵ سنجه طرح گردید که در ادامه بر اساس تحلیل عاملی تاییدی و بر اساس مفاهیم در قالب ۴ خرده مقیاس ؛ ۱. تجربیات حسی ناخوشایند (۴ سنجه)، ۲. پیاده‌مداری (۳ سنجه)، ۳. طراحی مناسب (۶ سنجه) و ۴. ترافیک و شلوغی (۲ سنجه) قرار گرفتند.

حیات ذهنی در شهر

سنت کلی نظریه پردازان اجتماعی، از اسپنگر و زیمل تا سنت و مامفورد، بر «تأثیرهای ریشه کن کننده» بالقوه‌ای تأکید داشته‌اند که «حیات شهری» در محیط اجتماعی ما داراست. کیویتس بر شیوه بی‌مانند شهر برای «تطبیق تفاوت‌ها» در بسیاری از سطوح زندگی روزمره تأکید می‌کند (کیویتس، ۱۴۹: ۱۹۸۶ به نقل از دورشمیت، ۱۳۹۶: ۹۶) توسعه شخصیت بی تفاوت، اساساً دارای یک زمینه فضایی است. از طریق چنین تمرکزی بر روی فضا است که شهر چنین اثراتی را بر روان مدرن اعمال می‌کند. بنابراین شهر، فرم فضایی مدرنیته است که از طریق آن زندگی مدرن تجربه می‌شود و تشخیص می‌یابد (ژیلینسن، ۱۳۹۴: ۶۳). ایگناتیف نیز با طرح مفهوم شهر اخلاقی، هدف اصلی در این شهر را ایجاد مراقبت و احترام اجتماعی برای همه ساکنان شهر، به ویژه برای آسیب پذیرترین افراد جامعه، عنوان می‌کند. به زعم وی، فضایل عادی، مانند اعتماد، بخشش، صداقت، نجابت و مدنیت، موارد خاصی هستند که در زندگی عادی دیده می‌شوند (ایگناتیف، ۲۰۱۷).

برای سنجش حیات ذهنی شهروندان، دو معیار اخلاق شهری و حساسیت به تفاوت‌ها در نظر گرفته شد.

۱. اخلاق شهری (فضائل عادی در پیاده‌راه): در طول یک سال گذشته، هنگام حضور در

پیاده‌راه‌ها و خیابان‌های شهر، هر یک از رفتارهای زیر را تا چه حد انجام داده‌اید؟

الف. کمک به متکدیان

ب. خرید اجناسی که فعلاً نیاز ندارید از دست فروشان بمنظور کمک به آنان

ج. بخشیدن باقیمانده پول در موارد دریافت اجناس و خدمات از افراد کم توان

د. رعایت حال افراد ناتوان، کم توان و سالمند و کمک به آنها در صورت لزوم

۲. حساسیت به تفاوت‌ها: در سطح پیاده راهها و خیابانهای شهر، ممکن است برخی افراد به

شیوه‌های متفاوت از شما حاضر شوند. تا چه حد این موارد برای شما عجیب و غیر عادی به

نظر می‌رسد؟

الف. پوشش لباس‌های متفاوت توسط دختران و پسران

ب. لهجه و گویش متفاوت افراد

ج. نقص یا معلولیت افراد

د. شکل و تیپ ظاهری افراد

گرایش به هم بودگی

برای سنجش گرایش به هم بودگی در بین شهروندان، نوع ارتباط شهروندان، مکان ارتباط و شدت ارتباط مورد پرسش قرار گرفت. ارتباط شهروندان می تواند از نوع ارتباط اولیه یا ثانویه باشد و محل ارتباط می تواند مکان اول (خلنه)، مکان دوم (محل کار یا تحصیل) و یا مکان سوم (خیابان، پیاده راه و سایر فضاهای عمومی و نیمه عمومی) باشد. جدول (۲) سنجش گرایش به هم بودگی و یا انزوا در اماکن عمومی را نشان می دهد.

جدول ۲. سنجش هم بودگی در اماکن عمومی

سنجشها	خرده مقیاس های سنجش هم بودگی در اماکن عمومی
دیدار با اقوام و خویشاوندان در اماکن عمومی	روابط با نزدیکان در فضای عمومی
دیدار با دوستان در اماکن عمومی	
دیدار با همسایگان در اماکن عمومی	روابط با آشنایان در فضای عمومی
دیدار با آشنایان دور در اماکن عمومی	

نوع فعالیت کاربران در پیاده راه (اجباری، اختیاری، اجتماعی)

گل (۱۳۹۶) در یک تقسیم بندی فعالیت های هرروزه ی انسان ها در فضای شهری را به «فعالیت های ضروری»، «فعالیت های انتخابی» و «فعالیت های اجتماعی» تقسیم می کند. فعالیت اجباری: رفتن به محل کار یا تحصیل، خرید کردن از مغازه ها و دستفروشان و نشستن و انتظار برای سوار شدن به اتوبوس و تاکسی. فعالیت های اختیاری: پیاده روی و پرسه زنی، تفریح، بازی و ورزش و دیدار و ملاقات با دوستان، آشنایان و ...

احساس بهزیستی جمعی

فضاهای عمومی موفق، فرصت مشارکت در فعالیت های عمومی را افزایش و رشد زندگی عمومی را تقویت می کند و شهروندان می توانند همراه با «احساس رضایت متقابل» حضور یابند. با تکرار این تجربیات، فضاهای عمومی به حامل معانی مثبت جمعی تبدیل می شوند (کار و همکاران، ۱۹۹۳: ۳۴۴). احساس بهزیستی جمعی شامل سه جنبه است:

احساس احترام و اعتماد عمومی، احساس تعلق به مکان و اجتماع و احساس امنیت (دریافت

حمایت)

جدول ۳. خرده مقیاس‌ها و سنجه‌های احساس بهزیستی جمعی

سنجه‌ها	احساس بهزیستی جمعی
احساس تعلق و وابستگی به شهر	احساس تعلق به مکان و اجتماع
احساس دلبستگی به همشهریان	
تلاش در نگهداری و تمیزی شهر	
دوست داشتن زندگی در این شهر	
احساس امنیت مالی	احساس امنیت و آرامش در پیاده راهها
احساس امنیت جانی	
احساس آرامش و راحتی	
احساس احترام	احساس احترام و اعتماد عمومی
اعتماد	

احساس احترام و اعتماد عمومی

به باور جاکوبز (۱۳۹۶) اگر چه بسیاری از این ارتباطات عادی روزمره در سطح خیابان کم مایه‌اند، اما حاصل جمع آن‌ها به هیچ روی کم مایه نیست. حاصل چنین ارتباطات عمومی پیش پا افتاده‌ای در یک سطح محلی، شبکه‌ای از احترام و اعتماد عمومی و منبعی برای مواقع نیاز شخصی یا محله‌ای می‌شود. لذا در این پژوهش میزان احساس احترام و اعتماد عمومی در گروه‌ها مختلف اجتماعی هنگامی که قصد حضور در پیاده‌راهها و میدانی مرکزی را داشته باشند ممکن است متفاوت باشد و این تفاوت بر اساس شرایط اجتماعی متفاوت قابل تبیین خواهد بود.

احساس امنیت در پیاده‌راههای شهری

در صحبت از امنیت پیاده‌راههای شهری، جاکوبز ضرورت وجود احساس حمایت عمومی خیابان را هنگام شرایط اضطراری یادآور می‌شود و پندار این احساس حمایت را مستلزم «اعتماد خیابان شهر» می‌داند و معتقد است که نتیجه ارتباطات کوچک عمومی پیاده‌راه در طول زمان است. گرت (۲۰۰۵) معتقد است که احساس امنیت، واکنشی عاطفی به جرایم همراه با خشونت اجتماعی و یا آسیب‌های مادی است و شامل گستره‌ای از عکس‌العمل‌های عاطفی و عملی افراد و اجتماع به جرم و ناهنجاری‌های است که ممکن است با آنها مواجه شوند. به طور کلی، مشخصه‌های کالبدی و اجتماعی محیط، نقش بسزایی در ارتقای احساس امنیت دارند.

احساس امنیت اجتماعی، هرگونه نگرانی از تهدید، ترس هنگام تنهایی در خیابان، ترس از حضور در خیابان به ویژه در شب، عدم اعتماد به غریبه‌ها و غیره را شامل می‌شود. بر این اساس تعداد ۳ گویه برای سنجش احساس امنیت شهروندان در پیاده راههای مرکزی شهر سنندج مورد سنجش قرار گرفت (جدول ۳).

احساس تعلق به شهر و شهروندان

یکی از موضوعها در مطالعات شهری، موضوع «هویت» و ارتباط آن با مکان است. «حس مکان» به تعبیری، درک ذهنی و تا حدی آگاهانه افراد از محیط خود است. این درک ذهنی از محیط، باعث برقراری ارتباط درونی فرد با محیط می‌شود. به طوری که فهم و احساس فرد از آن، ضمن ارتباط با بستر معنایی محیط، با آن یکدست می‌شود. «حس مکان» ضمن اینکه احساس راحتی را در یک محیط فراهم می‌کند، ارتباطات اجتماعی و فرهنگی جامعه در آن مکان را تسهیل کرده و از این طریق به یادآوری تجربه‌های گذشته و شکل‌گیری هویت افراد کمک می‌کند. بنابراین در بحث از احساس تعلق به شهر، سنجش میزان رضایتمندی و دل‌بستگی به شهر و شهروندان توسط ۴ سنجش مورد سنجش قرار گرفت.

نوع تعامل کاربران با غریبه‌ها

محققین انواع متفاوتی از رفتارهای اجتماعی را در فضاهای عمومی شناسایی کرده‌اند. اندرسون (۲۰۰۰) بر اساس یافته‌های پژوهش میدانی خود، به تمایز بین دو شیوه رفتار، آداب خیابان و دانایی خیابان، در بین عموم پرداخته است. که هر کدام دارای خرده مقیاس‌هایی هستند: الف. رفتار بر اساس آداب خیابان (دفع همه آمدگان بدون هرگونه تبعیض آگاهانه بین آنها) دارای خرده مقیاسهای ۱- بی تفاوتی و ۲- ارزیابی (نگاه خیره) (جدول ۴).

جدول ۴. خرد مقیاس‌ها و سنجش‌های متغیر آداب خیابان

سنجش‌ها	خرده مقیاس‌های سنجش آداب خیابان
توجه نکردن به غریبه‌ها در حین عبور	بی تفاوتی
توجه نکردن به غریبه‌ها هنگام ایستادن	
عدم عکس العمل به نشستن غریبه‌ها در کنار خود	
داشتن نگاه به غریبه‌ها در حین عبور	نگاه خیره به غریبه‌ها

ب. رفتار بر اساس دانایی خیابان (رفتارهای هوشیارانه در برابر وقایع و افراد حاضر در خیابان، بر اساس شعور و اندیشه، را شامل می‌شود) دارای خرده مقیاسهای: ۱- حفظ فاصله، ۲- تعامل و ۳- تذکر است (جدول ۵).

جدول ۵. خرده مقیاس‌ها و سنجه‌های متغیر دانایی خیابان

سنجه‌ها	خرده مقیاس‌های سنجش دانایی خیابان
فاصله از غریبه‌ها در عبور از کنار آنان	فاصله از غریبه‌ها
فاصله از غریبه‌ها هنگام ایستادن	
فاصله از غریبه‌ها هنگام نشستن	
برقراری ارتباط حین ایستادن	تعامل با غریبه‌ها
تذکر با لبخند در صورت مزاحمت	
گپ زدن در مورد مسائل روزمره در حین نشستن	
تذکر دادن و اخم در صورت مزاحمت	تذکر و برخورد با غریبه‌ها
برخورد در صورت مزاحمت	

یافته‌های پژوهش

همبستگی بین حیات ذهنی شهروندان با شیوه رفتار با غریبه‌ها

نتایج جدول ۶ حاکی از آن است که ضریب همبستگی بین فضائل رفتاری روزمره شهروندان در پیاده راه و دانایی خیابان ۰.۱۸۱ با سطح معناداری ۰.۰۰۰ می‌باشد. یعنی رابطه مستقیم و معناداری بین این دو متغیر وجود دارد. همچنین بین فضائل رفتاری روزمره و آداب خیابان ضریب همبستگی ۰.۰۰۴- با سطح معناداری ۰.۹۳۸ است. بنابراین رابطه بین این دو متغیر معنادار نمی‌باشد. این در حالی است که ضریب پیرسون ۰.۵۱۰ و سطح معناداری ۰.۰۰۰ نشان می‌دهد که رابطه‌ای قوی مثبت و معنادار بین حساسیت به تفاوت‌ها با دانایی خیابان وجود دارد. همچنین برای رابطه حساسیت به تفاوت‌ها و آداب خیابان، ضریب پیرسون ۰.۱۵۲- با سطح معناداری ۰.۰۰۰ می‌باشد یعنی رابطه معنادار و معکوسی بین این دو متغیر وجود دارد.

جدول ۶. میزان همبستگی خرده مقیاس‌های سنجش حیات ذهنی شهروندان با دانایی خیابان و آداب خیابان

آداب خیابان	دانایی خیابان	متغیر		
		ضریب پیرسون	اخلاق شهری (فضائل روزمره)	حیات ذهنی
-۰.۰۰۴	۰.۱۸۱	ضریب پیرسون		
۰.۹۳۸	۰.۰۰۰	سطح معناداری		
۳۹۰	۳۹۰	تعداد		
-۰.۱۵۲	۰.۵۱۰	ضریب پیرسون	حساسیت به تفاوت‌ها	
۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	سطح معناداری		
۳۹۰	۳۹۰	تعداد		

همبستگی بین ابعاد گرایش به هم‌بودگی با شیوه‌های رفتاری با غریبه‌ها

نتایج جدول ۷ حاکی از آن است که در بین ابعاد گرایش به هم‌بودگی ضریب همبستگی بین روابط با آشنایان در پیاده راه و دانایی خیابان نسبت به غریبه‌ها ۰.۳۶۱ با سطح معناداری ۰.۰۰۰ است. یعنی رابطه متوسط، مستقیم و معناداری بین این دو متغیر وجود دارد. همچنین ضریب همبستگی پیرسون دو متغیر روابط با فامیل و دوستان با دانایی خیابان ۰.۲۲۲ در سطح معناداری ۰.۰۰۰ می‌باشد یعنی بین این دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد. براساس نتایج بدست آمده، بین ابعاد گرایش به هم‌بودگی (روابط با آشنایان در فضاهای عمومی و روابط با فامیل و دوستان) با آداب خیابان، رابطه معنادار وجود ندارد.

جدول ۷. میزان همبستگی خرده مقیاس‌های هم‌بودگی شهروندان با خرده مقیاس‌های روابط با غریبه‌ها

آداب خیابان	دانایی خیابان	متغیر		
		ضریب پیرسون	روابط با آشنایان دور در فضاهای عمومی	هم‌بودگی
-۰.۰۹۲	۰.۳۶۱	ضریب پیرسون		
۰.۰۷۱	۰.۰۰۰	سطح معناداری		
۳۹۰	۳۹۰	تعداد		
-۰.۰۶۵	۰.۲۲۲	ضریب پیرسون	روابط با فامیل و دوستان نزدیک در فضاهای عمومی	
۰.۲۰۳	۰.۰۰۰	سطح معناداری		
۳۹۰	۳۹۰	تعداد		

همبستگی بین ابعاد بهزیستی جمعی و شیوه‌های رفتاری با غریبه‌ها

نتایج جدول ۸ حاکی از آن است که ضریب همبستگی بین احساس احترام و اعتماد عمومی در پیاده راهها و دانایی خیابان ۰.۳۰۱- با سطح معناداری ۰.۰۰۰ می‌باشد. یعنی رابطه معکوس و معناداری بین این دو متغیر وجود دارد. همچنین بین احساس احترام و اعتماد عمومی و آداب خیابان ضریب همبستگی ۰.۱۹۱ با سطح معناداری ۰.۰۰۰ می‌باشد که نشان می‌دهد رابطه بین این دو متغیر مستقیم و معنادار است. این در حالی است که ضریب پیرسون ۰.۳۲۴- و سطح معناداری ۰.۰۰۰ معناداری و معکوس بودن رابطه بین احساس امنیت و آرامش در پیاده راهها با دانایی خیابان را نشان می‌دهد. همچنین برای رابطه دو متغیر احساس امنیت و آرامش و آداب خیابان، ضریب پیرسون ۰.۱۶۱ سطح معناداری ۰.۰۰۱ است یعنی رابطه معنادار و مستقیمی بین این دو متغیر وجود دارد.

نتایج جدول ۷ حاکی از آن است که ضریب همبستگی بین احساس تعلق جمعی و دانایی خیابان ۰.۲۰۶- با سطح معناداری ۰.۰۰۰ می‌باشد. یعنی همبستگی معکوس و معناداری بین این دو متغیر وجود دارد. این در حالی است که بین احساس تعلق جمعی و آداب نیز ضریب همبستگی ۰.۱۶۵ با سطح معناداری ۰.۰۰۱ می‌باشد که رابطه بین این دو متغیر مستقیم و معنادار است.

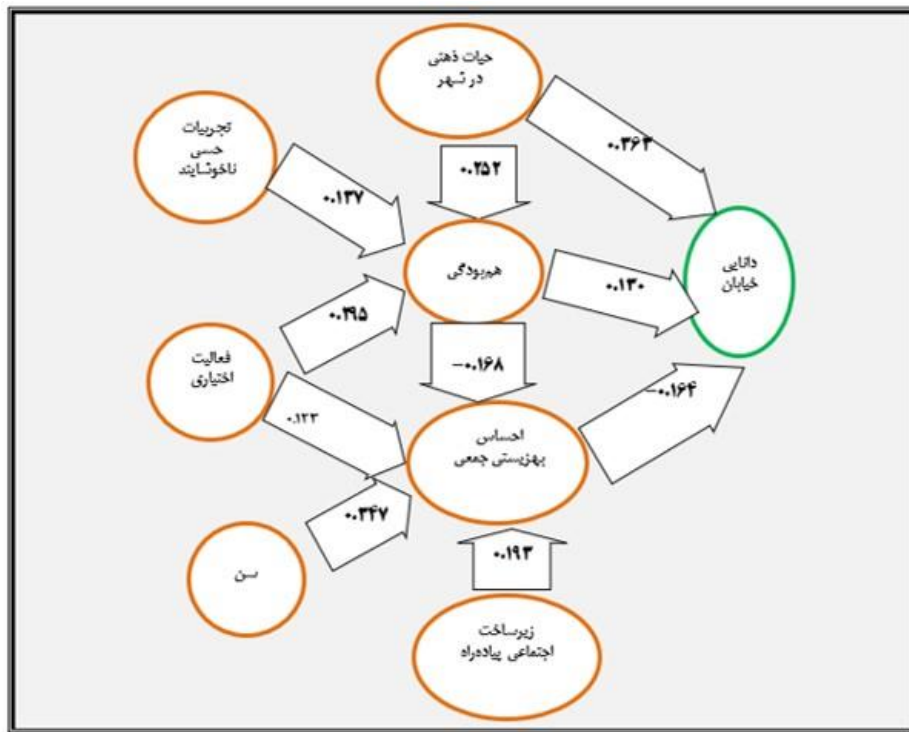
جدول ۸. میزان همبستگی خرده مقیاس‌های احساس بهزیستی جمعی شهروندان

با دانایی خیابان و آداب خیابان

آداب خیابان	دانایی خیابان	متغیر		احساس بهزیستی جمعی
		احساس احترام و اعتماد عمومی	احساس امنیت و آرامش	
۰.۱۹۱ ۰.۰۰۰ ۳۹۰	-۰.۳۰۱ ۰.۰۰۰ ۳۹۰	ضریب پیرسون	احساس احترام و اعتماد عمومی	
		سطح معناداری		
		تعداد		
۰.۱۶۱ ۰.۰۰۱ ۳۹۰	-۰.۳۲۴ ۰.۰۰۰ ۳۹۰	ضریب پیرسون	احساس امنیت و آرامش	
		سطح معناداری		
		تعداد		
۰.۱۶۵ ۰.۰۰۱ ۳۹۰	-۰.۲۰۶ ۰.۰۰۰ ۳۹۰	ضریب پیرسون	احساس تعلق جمعی	
		سطح معناداری		
		تعداد		

تحلیل مسیر

به منظور درک روابط بین متغیرها و شناسایی الگوهای مختلف در نشان دادن چگونگی تغییرات در یک متغیر متأثر از دیگر متغیرها در مطالعه حاضر تحلیل مسیر انجام شده است. تحلیل مسیر در واقع بسط مدل‌های رگرسیونی بوده که مقایسه آن نشان می‌دهد که تحلیل مسیر با مفهوم علی سازگارتر می‌باشد. در مدل‌های رگرسیونی تمامی متغیرهای مستقل، هم‌زمان و هم‌عرض مد نظر قرار می‌گیرند؛ این در حالی است که یک نوع توالی یا تقدم و تأخر بین متغیرها در مدل‌های مسیر مد نظر قرار دارد. همچنین در قیاس با مدل‌های رگرسیونی، آسیب‌پذیری مدل‌های مسیر در برابر هم‌خطی پایین‌تر است. در واقع می‌توان استدلال نمود که مدل‌های مسیر توانای تحلیل دنیای اجتماعی را دارند. در نمودار مسیر باید متغیرها را بر اساس نظم علی مرتب کنیم. در واقع در مدل‌های مسیر در انطباق داده‌ها با تئوری‌ها حساسیت بیشتری وجود دارد. پس در مدل انتخابی علاوه بر لحاظ نمودن نتایج آماری، مبانی نظری نیز مد نظر قرار می‌گیرد.



شکل ۲. تحلیل مسیر دانایی خیابان

جدول ۹ نشان‌دهنده تأثیرات مستقیم، غیرمستقیم و تأثیر کل متغیرهای الگوی تحلیلی تحقیق است. با توجه به داده‌های جدول فوق و به استناد به آثار مستقیم و غیر مستقیم متغیرها، متغیر میزان حیات ذهنی از یک مسیر مستقیم و دو مسیر غیر مستقیم (از طریق تأثیر بر هم بودگی و تأثیر بر احساس بهزیستی جمعی) بر دانایی خیابان تأثیر دارد. در این میان متغیرهای هم بودگی و تجربیات ناخوشایند نیز هم به صورت مستقیم و غیر مستقیم بر دانایی خیابان در شهروندان تأثیر دارند. لازم به ذکر است که احساس بهزیستی جمعی به صورت مستقیم و تجربیات حسی ناخوشایند، فعالیت اختیاری، سن و زیرساخت‌های اجتماعی پیاده راه به صورت غیر مستقیم بر دانایی خیابان تأثیر دارند.

جدول ۹. آثار مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای الگوی تحلیلی بر دانایی خیابان

متغیرها	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کلی
حیات ذهنی	۰.۳۶۳	۰.۰۴	۰.۴۰۳
هم‌بودگی	۰.۱۳۰	۰.۰۲۷	۰.۱۵۷
احساس بهزیستی جمعی	-۰.۱۶۴	-	-۰.۱۶۴
تجربیات حسی ناخوشایند	-	۰.۰۲۲	۰.۰۲۲
فعالیت اختیاری	-	۰.۰۳۸	۰.۰۳۸
سن	-	-۰.۰۶	-۰.۰۶
زیرساخت‌های اجتماعی پیاده راه	-	-۰.۰۳۲	-۰.۰۳۲

همچنین متغیرهای فعالیت اختیاری، سن و زیرساخت‌های اجتماعی پیاده راه به صورت غیر مستقیم بر آداب خیابان تاثیر دارند.

جدول ۱۰. آثار مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای الگوی تحلیلی بر آداب خیابان

متغیرها	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کلی
احساس بهزیستی جمعی	۰.۲۶۴	-	۰.۲۶۴
فاصله از مرکز	-۰.۱۶۷	-	-۰.۱۶۷
فعالیت ضروری	۰.۱۸۴	-	۰.۱۸۴
هم بودگی	-	-۰.۰۴۴	-۰.۰۴۴
حیات ذهنی	-	-۰.۰۱۱	-۰.۰۱۱
تجربیات حسی ناخوشایند	-	-۰.۰۰۶	-۰.۰۰۶
فعالیت اختیاری	-	۰.۰۴۵	۰.۰۴۵
سن	-	۰.۰۹۲	۰.۰۹۲
زیرساخت اجتماعی پیاده راه	-	۰.۰۵۱	۰.۰۵۱

بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل ارائه شده در این مطالعه عمیقاً به پیچیدگی‌های تعاملات شهری می‌پردازد و بر نقش محوری زیرساخت‌های اجتماعی، روابط با غریبه‌های شهری و پایبندی به کدهای اخلاقی مشترک در شکل دادن به رفتار در فضاهای عمومی تأکید می‌کند. این مطالعه بر اهمیت تقویت اعتماد عمومی، احترام و مراقبت اجتماعی برای پرورش همزیستی هماهنگ و احساس تعلق جمعی در مناطق شهری تأکید دارد. علاوه بر این، یافته‌ها می‌تواند در تدوین برنامه‌ریزی شهری، اجرای سیاست‌های اجتماعی و توسعه شهری کاربرد داشته باشد و بینش‌های ارزشمندی را برای ایجاد شهرهای فراگیر، سرزنده و اخلاقی ارائه نماید که نیازهای همه ساکنان را برآورده کند.

این مقاله، با بررسی و تجزیه و تحلیل دو حالت متمایز رفتار در فضاهای عمومی، درک دقیقی از نحوه هدایت افراد در تعاملات اجتماعی در محیط‌های مختلف ارائه نمود. یافته‌ها، تأثیر حیات ذهنی شهروندان (حساسیت به تفاوت‌ها و پایبندی به فضایل) بر رفتار را تایید می‌کند و چشم‌انداز در حال تکامل دانایی و آداب خیابانی را در پاسخ به هنجارهای اجتماعی تغییر می‌دهند.

بررسی رابطه بین احساس بهزیستی جمعی و رفتار مبتنی بر آداب خیابان، تعادل ظرفیتی را بین مدنیت و رفتار خیابانی نشان می‌دهد، همانطور که توسط اندرسون مطرح شده است. این

تحقیق تأثیر ارزش‌های اجتماعی، پیوندهای خانوادگی و زیرساخت‌های اجتماعی را بر دلنایی و آداب خیابانی افراد روشن می‌کند و دیدگاه تازه‌ای در شکل‌گیری روابط اجتماعی عمومی در بین غریبه‌های شهری ارائه می‌دهد. تجزیه و تحلیل مسیرهای دلنایی خیابانی و آداب خیابانی، بینش‌های جالبی را در مورد عوامل شکل‌دهنده رفتار عمومی، از تأثیر حیات ذهنی گرفته تا نقش زیرساخت‌های اجتماعی در پرورش رفاه جمعی و آداب معاشرت، آشکار می‌کند. مدل‌های تحلیلی این مطالعه چارچوبی برای درک تعامل پیچیده بین ادراکات فردی، پویایی گروه و عوامل محیطی در شکل‌دهی رفتار عمومی در فضاهای شهری فراهم می‌کند. اگر شهروندان احساس کنند که در دنیای غریبه‌های شهری مورد احترام نیستند و نمی‌توانند به آنان اعتماد کنند در واقع ترجیحات آنان هم‌بودگی با فامیل و آشنایان خواهد بود و سعی می‌کنند رفتار هوشیارانه و همراه با اندیشه را در مواجهه با غریبه‌ها اتخاذ نمایند. این افراد هم به فضایل اخلاقی پایبندتر می‌باشند و هم نسبت به تفاوت‌ها حساسیت بیشتری دارند. با این حال مقایسه میانگین نوع رفتار در بین شهروندان سنندجی نشان داد که رفتار بر اساس آداب خیابان از شیوع بیشتری برخوردار می‌باشد و سبک زندگی شهری مطرح شده توسط جورج زیمل در سنندج قابل تأیید می‌باشد.

نتایج مطالعه به طور قابل توجهی به گفتمان رفتار اجتماعی شهری کمک می‌کند و بر اهمیت اعتماد عمومی، احترام و مراقبت اجتماعی در پرورش شهرهای فراگیر و اخلاقی تأکید دارد. همان‌طور که ایگناتیف بر همزیستی مسالمت‌آمیز غریبه‌ها از طریق پذیرش تنوع و همچنین در اولویت قرار گرفتن احترام اجتماعی برای تحقق شهرهای اخلاقی تأکید دارد، نتایج نشان داد که شاخص‌های احساس بهزیستی جمعی (احترام و اعتماد عمومی) در شهر سنندج وضعیتی مطلوب دارند و می‌توان نتیجه گرفت که وفق معیارهای ایگناتیف شهر سنندج از جمله شهرهای اخلاقی می‌باشد.

این مطالعه با حمایت از ارتقای زیرساخت‌های اجتماعی، ارتقای کدهای اخلاقی مشترک و پرورش اخلاق بین گروهی، استراتژی‌های عملی را برای ایجاد جوامع شهری منسجم و پویا ارائه می‌دهد. در نهایت، هدف از ایجاد شهرهای اخلاقی که مراقبت و احترام اجتماعی را در اولویت قرار می‌دهند، می‌تواند از طریق تلاش‌های مشترک برای بهبود فضاهای عمومی، تقویت روابط اجتماعی و تقویت حس تعلق در میان ساکنان شهری محقق شود.

یافته‌های این مطالعه بر قدرت دگرگون‌کننده ایجاد اعتماد عمومی و تقویت زیرساخت‌های اجتماعی در ترویج همزیستی مسالمت‌آمیز و رفاه جمعی در محیط‌های شهری تأکید می‌کند. با

اولویت دادن به توسعه فضاهای شهری فراگیر و محترمانه، شهرها می‌توانند محیط‌هایی ایجاد کنند که تعاملات اجتماعی مثبت را پرورش داده و از نیازهای متنوع ساکنان خود حمایت کند. این تحقیق به عنوان یک منبع ارزشمند برای برنامه‌ریزان شهری، سیاست‌گذاران و رهبران جامعه که به دنبال ایجاد شهرهای پایدار و پررونق هستند که رفاه و هماهنگی اجتماعی همه افراد را در اولویت قرار می‌دهند، عمل می‌کند.

منابع

- بنت، اندی (۱۳۹۸). فرهنگ و زندگی روزمره. ترجمه لیلیا جوافشانی و حسن چاوشیان، تهران: نشر اختران.
- تانکسین، فرن (۱۳۹۴). *فضا، شهر و نظریه اجتماعی، مناسبات اجتماعی و شکل‌های شهری*. ترجمه حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- جاکوبز، جین (۱۳۹۶). *مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا*. ترجمه حمید رضا پارسی و آرزو افلاطونی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دورشمیت، یورگ (۱۳۹۶). *زندگی روزمره در شهرهای جهانی*. ترجمه علیرضا مرادی و سیاوش قلی پور. تهران: انتشارات تیسرا.
- زمانی، فاروق (۱۳۹۱). بررسی میزان گرایش کودکان دو زبانه به طرف زبان پدری یا مادری (زبان کردی سنندجی یا اردلانی و زبان اورامی) در شهرستان سنندج. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی همگانی. گروه زبان شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه کردستان.
- ژیلنسن، آندژی (۱۳۹۴). *فضا و نظریه اجتماعی*. ترجمه محمود شورچه. تهران: انتشارات پرهام نقش.
- سنت، ریچارد (۱۳۹۸). *احترام: تکوین منش در جهان نابرابری‌ها*. ترجمه بهنام ذوقی رودسری، تهران: انتشارات شیرازه.
- کسلر، دیرک (۱۳۹۴). *نظریه‌های روز جامعه شناسی، از ایزنشتات تا پسامدرن*. ترجمه کرامت الله راسخ. تهران: نشر آگه.
- کلاینبرگ، اریک (۱۴۰۰). *کاخ‌هایی برای مردم (زیرساخت‌های اجتماعی، مبارزه با نابرابری و قطبی شدن و افول حیات مدنی*. ترجمه حسین ایمانی جاجرمی. چاپ دوم، تهران: نشر شیرازه.
- گل، یان و برجیت سوار (۱۳۹۶). *چگونه زندگی همگانی را مطالعه کنیم؟*. ترجمه مصطفی بهزاد پور، محمدرضا ندوشن و احمد رضایی. تهران: موسسه علم معمار رویال.
- مدنی پور علی (۱۳۸۷). *فضاهای عمومی و خصوصی شهر*. ترجمه دکتر فرشاد نوریان. تهران: شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.

هاروی، دیوید (۱۳۹۵). / از حق به شهر تا شهرهای شورشی. ترجمه خسرو کلانتری و پرویز صداقت. تهران: انتشارات آگه

- Anderson, E. (2000). *Code of the street: decency, violence, and the moral life of the inner city*. New York, NY: W. W. Norton & Company.
- De Vaus, D. (2014). *Surveys in social research* (Sixth ed.). Sydney: Allen & Unwin.
- Hickman P (2013). "Third places and social interaction in deprived neighborhoods in Great Britain", *Journal of Housing and the Built Environment*, Vol. 28, No. 2: 221-236.
- Ignatieff, M. (2017). *The Ordinary Virtues: Moral Order in a Divided World*. Cambridge, Massachusetts: Harvard University Press.
- Kiwitz, P. (1986). *Lebenswelt und Lebenskunst: Perspektiven einer kritischen Theorie des sozialen. Leb&ens* (Vol. 9). Fink.
- Latham, A, & Layton J. (2019). "Social infrastructure and the public life of cities: Studying urban sociality and public spaces", *Geography Compass*.13: e 12444.
- Mehta, V. (2010). *The street A Quintessential Social Public Space*. New York: Rout ledge.
- Oldenburg, R. (1989). *The Great Good Place*. Da Capo Press.
- Sennett, R. (1976). *The Fall of Public Man*. Cambridge University Press, Cambridge.
- Simmel, G. (1959). "How is society possible?" in *Georg Simmel 1858-1918: A Collection of Essays with Translations and a Bibliography*, Wolff, K. H. (ed.). Columbus, Ohio, Columbus Ohio State University Press.